اخبار

آبروی کشور هزینه مواجهه نابخردانه

مسدودی بی‌اطلاع در دوران کرونا

یکی از اصلی‌ترین تذکرات وزارت بهداشت برای کنترل سرایت بیماری کرونا عدم استفاده از پول نقد و به کار گرفتن حداکثری کارت‌های بانکی است. در چنین شرایطی پول نقد موجود در دست درصد زیادی از مردم، حداقل کسانی که پایبند رعایت نکات بهداشتی در جهت مبارزه با این ویروس منحوس هستند، کمتر از هر زمان دیگری است. طبیعی است که اگر در چنین شرایطی به ناگاه و بدون هیچ تذکر قبلی حساب بانکی صاحبان حساب‌ها بسته شود یک گرفتاری بزرگ برای آن‌هایی که سعی کرده‌اند شهروندان مسئولیت پذیری باشند ایجاد می‌شود. اتفاقی که همین حالا شمار زیادی از اتباع غیر ایرانی حاضر در ایران که به صورت قانونی اجازه زندگی در کشور را دارند ایجاد شده است.

این اولین بار نیست که بانکی به دلایلی مثل مبارزه با پول شویی، احراز هویت‌ها و مبارزه با تروریست حساب اتباع غیر ایرانی خود را مسدود می‌کند. بدون شک نفس این اتفاق خالی از اشکال و با توجه به لزوم پیگیری همین موارد لازم الاجراست اما آیا مسئولان بانکی بهتر نمی‌دانند قبل از مسدود کردن بی اطلاع حساب مشتری‌های خود، با یک اطلاعیه یا پیامک آن‌ها را در روند کار قرار بدهند تا شاهد مشکلاتی که امروز برای این عزیزان ایجاد شده است نباشیم؟

نبود پول نقد و مسدود شدن ناگهانی حساب، خیلی از این عزیزان را در حال خرید در خیابان و مغازه غافلگیر یا سرگردان کرده است. از آن بدتر اینکه شمار قابل توجهی از این افراد باتوجه به عدم استفاده از اسکناس‌هایی که از عوامل جدی انتقال بیماری هستند و جایگزین کردن کارت به جای پول نقد در این روزها، در حال حاضر برای تأمین کالاهای اساسی مورد نیازشان دچار مشکل شده‌اند. تصور کنید خود ما در یک روز و بدون هیچ اطلاع رسانی با حساب‌های بلوکه شده‌مان رو به رو شویم و حیران چگونه تهیه کردن اقلامی ضروری مثل دارو، شیر خشک بچه یا مواد غذایی شویم. چه مشکلاتی برای‌مان ایجاد خواهد شد و چه حال و روزی پیدا خواهیم کرد؟

اصلی‌ترین مطالبه این عزیزان که با مجوز قانونی برای تحصیل، اشتغال یا زندگی در ایران حضور دارند این است که همان طور که آن‌ها به رعایت مسائل شهروندی پایبند هستند، حقوق شهروندی‌شان محترم شمرده شود و در چنین مواقعی حداقل از قبل در جریان مسدود شدن حساب‌هایشان قرار بگیرند تا با آبروریزی عدم فعال بودن کارت‌های بانکی‌شان در فروشگاه‌ها و مراکز خرید یا استیصال برای تهیه مایحتاج ضروری زندگی رو به نشوند. بدون شک مطالبه ما هم این است که مسئولان بانک ملت در قدم اول به خاطر این بی‌تدبیری با یک عذرخواهی از این عزیزان دلجویی کنند و در گام بعدی با در نظر گرفتن همه جوانب یک مسأله و انتخاب سنجیده‌ترین روش‌ها موجبات خدشه دار شدن چهره کشور در اذهان غیر ایرانی‌ها نشوند.

و تو از داستان پروانه و عشق آتش چه می‌دانی؟!

«کیمیا دختر مولانا»ی موریل مافروی به فارسی ترجمه و منتشر شد

رمان «کیمیا دختر مولانا» اثر موریل مافروی نویسنده فرانسوی‌تبار با ترجمه یاسین عبدی و به همت بنگاه ترجمه و نشر پارسه چاپ و منتشر شد.

بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه رمان «کیمیا دختر مولانا» اثر موریل مافروی را با ترجمه یاسین عبدی در ۳۲۸ صفحه و بهای ۴۹,۵۰۰ تومان در قطع رقعی چاپ و منتشر کرده است.

راز پی‌بردن به جهان مولانا و رویدادهای حرم و شبستان وی همواره به شیوه‌ای شگفت و سحرانگیز کمند خواننده را گرفته و رهایش نمی‌سازد. افسون جان‌سوز حکیم عقل‌ها و قلب‌ها چنان شورانگیز است که آهوی خیال را خرامان‌خرامان به چمن‌زاری باصفا و پرطراوت می‌کشاند و چنان او را همدم و مشتاق خود می‌سازد که از فرط شادمانی و خرسندی سر از پا نمی‌شناسد. آدمی را آن‌چنان مست و شیدا می‌کند که در بازار محبت و در طلب سودای عشق، خود را به دست فراموشی سپارد. نثر شیوا و روان این رمان، خواننده را غرق در جهان خیال می‌سازد، جهانی آرمانی، زیبا، دل‌انگیز و پراحساس که خواننده آرزو می‌کند هیچ‌گاه به جهان واقعیت بازنگردد.

رویدادهای این رمان سفری معنوی و داستان عشق و سرگذشت کیمیا دختر معنوی و پرورده حرم مولاناست. داستان عشق کوچه‌پس‌کوچه‌های قونیه است و نجواکنان در گوش ما می‌گوید که عشق، مقدس‌ترین پیوند و رشته ارتباطی میان انسان‌هاست و غنچه روح آدمی را شکوفا می‌سازد و زهر را انگبین می‌کند و سیاهی و تاریکی را روشنایی می‌بخشد و زندان را باغ و گلستان می‌سازد و مس وجود آدمی را طلاگون می‌کند. به ما می‌آموزد که عشق آموختنی و فراگرفتنی با درس و مشق نیست و بلکه آن ارمغانی الاهی برای قلب‌های پاک و پالوده است. عشق اقیانوسی ژرف و کرانه ناپیداست و باید شناگر و غواص بسیار متبحر و باتجربه‌ای بود تا بتوان از آن صید مروارید کرد. از نفس‌های گرم قلندری همچون شمس و طپش قلب کوچک کیمیا پی خواهیم برد که عشق تنها بهانه زندگی‌ست و همو می‌تواند زنگار آیینه قلب‌ها را بزداید و در عین حال نیز آیینه تمام نمای همه زیبایی‌های جهان شود. در جهان عشق، انتظار؛ هم سخت و جان‌کاهست و هم لذت‌بخش و جان‌افزا. چشم به راهِ معشوق‌بودن، آدمی را به اوج و عروج می‌رساند. گهگاه عشق، آدمی را چنان شاد و طربناک می‌سازد که به رقص و پایکوبی وادارش می‌کند و گهگاه نیز او را همچون مصیبت‌زده‌ای به گریه و فغان می‌اندازد که صدای آن تا گنبد مینا هم می‌رسد.

دو هفته خاموشی در موزه فرش

تعطیلی چالشی موزه‌ها

هفته ای که گذشت ماجرای تعطیلی موزه‌ها در این هفته نیز یکی از چالش‌ها بود. انوشیروان محسنی بندپی استاندار تهران یکی از مشاغلی که برای یک هفته تعطیل خواهند شد را موزه‌ها و باغ موزه‌های استان تهران اعلام کرد.

اینِ درحالی بود که چنین تعطیلی‌هایی را معمولاً ستاد مبارزه با کرونا اعلام می‌کرد اما این بار استاندار این خبر را داده بود. از طرف دیگر وزارت میراث فرهنگی در این‌باره سکوت کرده و هیچ خبری درباره تعطیلی موزه‌ها اعلام نمی‌کرد تا اینکه موزه داران گفتند که گویا تنها بازدیدها تعطیل شده و کارکنان موزه‌ها باید همچنان داخل موزه حضور داشته باشند.

پیش از این اما استانداران برخی از استان‌ها اعلام کرده بودند که موزه‌ها تعطیل هستند مانند لرستان و کرمانشاه.

لزوم دوره آموزش کارشناس ارزیابی اقامتگاه بوم گردی ابلاغ شد

سال ۱۳۹۸، دوره آموزشی «کارشناس ارزیابی و مدیرفنی طرح تطبیق ضوابط تأسیسات گردشگری» و همچنین «ضوابط بهره‌برداری، ارزیابی و درجه‌بندی اقامتگاه‌های بوم‌گردی» توسط وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی ابلاغ شده بود.

اما به تازگی زاهد شفیعی مدیرکل دفتر مطالعات آموزش گردشگری با بیان اینکه هدف از طراحی دوره آموزشی تکمیلی «کارشناس ارزیابی اقامتگاه بوم‌گردی»، تسلط کامل کارشناسان ارزیابی تأسیسات گردشگری نسبت به ضوابط و ویژگی‌های اقامتگاه‌های بوم‌گردی است؛ گفت: از این پس کارشناسان ارزیابی تأسیسات گردشگری برای دریافت مجوز ارزیابی اقامتگاه‌های بوم‌گردی، ملزم به گذراندن دوره آموزشی تکمیلی «کارشناس ارزیابی اقامتگاه بوم‌گردی» هستند.

وی درباره محتوا و نحوه اجرای دوره مذکور گفت: این دوره آموزشی به صورت کارگاه‌های عملی تشریح ضوابط ساختمان و تأسیسات، تجهیزات و ملزومات، خدمات به میهمان، منابع انسانی و آموزش، ایمنی و بهداشت و توسعه پایدار و دسترسی، مطابق با «ضوابط بهره‌برداری، ارزیابی و درجه‌بندی اقامتگاه‌های بوم‌گردی» به مدت ۱۲ ساعت برگزار می‌شود.

کاهش شدید درآمد موزه‌ها و اماکن تاریخی پس از کرونا

این هفته نخستین نشست هیئت امنای مجموعه‌های فرهنگی‌تاریخی که با حضور اعضای هیئت امنای مجموعه‌های ملی، معاونان و مدیران وزارتخانه و ۱۲ استان، به‌شکل ویدئوکنفرانس، در کاخ سعدآباد برگزار شد، در این نشست علی‌اصغر مونسان وزیر میراث فرهنگی گفت: موزه‌ها در سه ماه اول سال ۸۰۰ میلیون تومان درآمد داشتند درحالی که در مدت مشابه سال گذشته حدود ۳۰ میلیارد تومان درآمد به دست آورده بودند.

وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گفت: در قالب هیئت امنایی شدن، تلاش می‌کنیم تا فارغ از بودجه و امکانات دولتی بتوانیم از امکانات و کمک‌های بیرونی نیز استفاده کنیم، تا کنون محدودیت‌های قانونی برای استفاده از این امکانات داشتیم در حالی که بسیاری از ایرانیان داخل و خارج از کشور علاقه‌مند بودند تا در اداره این اماکن مهم، مشارکت کنند و به موضوع میراث‌فرهنگی کشور بپردازند.

مونسان گفت: سال گذشته ۷۰ میلیارد تومان میزان درآمد وزارتخانه در قالب فروش بلیت و برنامه‌های اجرا شده در اماکن تاریخی بود که این درآمد بین این اماکن برای نگهداشت آن‌ها توزیع شد. با این روندی که به‌دلیل شیوع ویروس کرونا برای موزه‌ها ایجاد شده است، تا پایان سال درآمد زیادی نخواهیم داشت و با یک چالش در نگهداشت این اماکن روبه‌رو خواهیم بود.

غلامعلی حدادعادل به عنوان عضو حقیقی هیئت امنای مجموعه‌های فرهنگی‌تاریخی در این نشست گفت: پیشنهاد می‌کنم در کنار اماکن تاریخی کشورمان یک فروشگاه راه اندازی شود.

خاموشی دو هفته‌ای موزه فرش

در همین هفته بود که خبرگزاری مهر گزارشی را پیرو خاموشی در موزه ملی فرش منتشر کرد در این گزارش آمده بود که دو هفته است این موزه برق ندارد و رئیس آن هم علت را در فرسودگی دستگاه‌ها اعلام کرده بود اگرچه یکی از راهنمایان گردشگری نیز از مشکلات دیگر موزه هم گلایه کرده و گفته بود که نبود برق و گرمای محیط و افزایش حشرات شرایط نامناسبی را برای حشرات به وجود می‌آورد. ضمن اینکه ناامنی را نیز برای موزه ایجاد می‌کند.

در همین راستا شرکت نیروی برق در واکنش به این خبر، از پیگیر نبودن مسئولان موزه به رغم پیشنهاد مساعدت به آنها خبر داد و در نامه‌ای نوشت: بامداد روز یکشنبه اول تیر ماه به دنبال قطع برق موزه ملی فرش، کارشناسان این شرکت به محل اعزام و با بررسی انجام شده مشخص شد قطعی برق به دلیل سوختگی ترانس اختصاصی آن مجموعه و بعد از نقطه تحویل انرژی از شبکه توزیع برق بوده و تأمین و جایگزینی ترانس مزبور به عهده مشترک بوده و ارتباطی به شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ندارد. در همین راستا مشاوره و راهنمایی‌های لازم به منظور جایگزینی ترانس سوخته و حتی پیشنهاد مساعدت و احداث برق موقت جهت تأمین امنیت موزه ملی فرش به مدیریت آن مجموعه داده شده ولی تاکنون پیگیری لازم از جانب مسئولان موزه فرش بابت تأمین برق موزه (دائم یا موقت) به عمل نیامده است.

تمرکز بر تورهای داخلی و خانوادگی؛ پیشنهاد ایران به اعضای OIC

در این هفته وبینار تأثیر کووید – ۱۹ بر گردشگری کشورهای OIC برگزار شد و در این وبینار نمایندگان ایران پیشنهاد تمرکز بر تورهای داخلی خانوادگی را به‌عنوان ایده نو ارائه کردند.

این وبینار با حضور ۴۱ نماینده از ۲۵ کشور عضو و سازمان‌های تخصصی بین‌المللی و باحضور مدیرکل دفتر بازاریابی و تبلیغات گردشگری و همچنین رابط وزارت‌خانه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در «کمیته دائمی همکاری‌های اقتصادی سازمان همکاری‌های اسلامی» یا «کومسک»(COMCEC) به عنوان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران، برگزار شد.

نماینده سازمان جهانی گردشگری ضمن اعلام پیش‌بینی کاهش ۶۰ تا ۸۰ درصدی گردشگران بین‌المللی در جهان، بیان کرد که بیشترین نرخ کاهش گردشگران بین‌المللی و ضررهای ناشی از آن در بازه زمانی ژانویه تا آوریل در میان مناطق مختلف دنیا متعلق به آسیا – اقیانوسیه منفی ۵۱ درصد و خاورمیانه منفی ۴۰ درصد بوده است.

مرمت خانه امام جمعه در مرحله تأیید شورای فنی

چهار ماه از ارائه طرح مرمت خانه امام جمعه به شورای فنی صندوق احیای آثار تاریخی گذشت ولی هنوز این شورا تأیید نهایی را نداده است.

۲۷ اسفند سال ۹۸ طرح مرمت خانه امام جمعه توسط بهره برداری که قبلاً هم خانه آقاجان نسب بابل را مرمت و به بهره برداری رسانده به شورای فنی صندوق احیای آثار تاریخی ارسال شد در آن زمان ایراداتی به طرح گرفتند و دوباره قرار شد تا سرمایه گذار این ایرادات را برطرف کند.

حالا این روند آنقدر طولانی شده که می‌توان گفت ۴ ماه از ارائه طرح اولیه گذشته است و این طرح همچنان در حال رفت و برگشت است.

خانه تاریخی امام جمعه قرار است کاربری فرهنگی و پذیرایی داشته باشد ولی هنوز معطل طرح مرمتی مانده است. در این باره هادی میرزایی مدیرعامل صندوق توسعه صنایع دستی و فرش دستباف و احیا و بهره برداری از بناهای تاریخی و فرهنگی به خبرنگار مهر گفت: پروژه مرمت و بهره برداری از خانه تاریخی امام جمعه تهران در مرحله طراحی و اخذ تأیید شورای فنی است. سرمایه گذاری که قرار است برای این بنا کاربری فرهنگی و پذیرایی ایجاد کند، مشاور طرح را معرفی و طرح استحکام بخشی و مرمت را تنظیم کرده این اقدام حداقل سه تا چهارماه طول می‌کشید. ما به این طرح ایراد گرفتیم و آن را برگشت دادیم تا دوباره اصلاح شود.

پدیدارشناسی بی‌مرزی در داستان‌های کودکانهٔ احمدرضا احمدی

نشر ماه و خورشید کتاب «پدیدارشناسی بی‌مرزی در داستان‌های کودکانهٔ احمدرضا احمدی» نوشته فاطمه کاسی را با شمارگان ۵۰۰ نسخه، ۱۴۰ صفحه و بهای ۲۴ هزار تومان منتشر و روانه کتابفروشی‌ها کرد.

در معرفی این کتاب ضرورت دارد که مختصری درباره مفهوم پدیدارشناسی نوشته است. محور اصلی پدیدارشناسی به زبان ساده این است که بین ذات پدیده و نمودها و تجلی‌های آنکه در اصطلاح «پدیدار» نامیده می‌شود، تفاوت وجود دارد. پدیده‌های مادی یا انتزاعی ممکن است در اشکال و ابعاد گوناگون بر اشخاص تجلی یابند؛ پس آنچه می‌بینیم و دریافت می‌کنیم همهٔ ابعاد آن پدیده نیست، بلکه هر فردی در زمان‌ها و موقعیت‌ها و زوایای ویژه، بعدی خاص از آن را کشف می‌کند و هر یک از آن وجوه که پدیدار نامیده می‌شود، بخشی از هستی آنها و همزمان کاشف آنهاست. پدیدارشناسان برای توضیح نمودها و ابعاد چندگانهٔ یک واقعیت، از تمثیل مکعب استفاده می‌کنند که دارای چند بعد است؛ اما همزمان دیدن ابعاد دیگر آن ممکن نیست و هر کسی متناسب با زاویهٔ دید خود، بعدی خاص از آن را می‌بیند. بر این اساس، واقعیت یگانه، می‌تواند به شیوه‌های چندگانه و نامحدود پدیدار شود و درعین‌حال در همهٔ آن‌ها نسبت به اظهارات چیزی دیگر باشد.

نمود پدیدارشناسی در داستان‌های احمدرضا احمدی

این اثر پژوهشی در نظر دارد به پدیدارشناسی بی‌مرزی در داستان‌های کودکانهٔ احمدرضا احمدی بپردازد. پدیدارشناسی معتقد است که بین ذات و نمودها و تجلی آن (پدیدار)، تفاوت وجود دارد و بودریار نیز به این تفاوت‌ها اشاره می‌کند. بنابراین پدیدارشناسی و دنیای پست‌مدرن نیز نوعی تفاوت را بین اصول و نمود، تجربه می‌کنند و نموده‌ها جای اصل را می‌گیرند و اصل تلقی می‌شوند. همین امر باعث می‌شود که فرق بین اصل و فرع چندان روشن نباشد. احمدرضا احمدی از شاعران و نویسندگان ایرانی است که از سال ۱۳۴۹ داستان‌نویسی برای کودکان را آغاز کرده است. خوانندهٔ آثار احمدی همواره در دنیای خیال و واقعیت، کودکی و بزرگسالی، مرزها و بی‌مرزی‌ها لغزان است.

بی‌مرزی‌ها در آثار احمدرضا احمدی به دو دستهٔ کلی تقسیم می‌شوند: معنامند و بی‌معنا. نویسنده در بی‌مرزهای معنامند از شگردهای فرمالیستی و رئالیستی، و در بی‌مرزی‌های بی‌معنا از شگردهای پست‌مدرنیستی استفاده می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که وانموده‌های آثار او از طرف جامعهٔ مصرف‌زده به دنیای او تحمیل نشده‌است. بلکه او در نظر دارد از طریق این وانموده‌ها از ترس، تنهایی و نبود هر چیزی که آزاردهنده است هم خود را برهاند و هم کودک را. او گاه چالش خواننده را مهم‌تر از دستیابی به معنا می‌داند بنابراین گسترهٔ خیال را وسیع‌تر می‌کند. خواننده در آثار منفعل نیست بلکه همواره با چالش‌های زبانی، تصویری و معنایی روبه‌روست. او قصد سهیم کردن تخیلات خود با خواننده را دارد. به نظر می‌رسد آثارش خوانندگان دارای تخیل وسیع را سیراب می‌کند و خوانندگان نوپا را شگفت‌زده و به چالش دعوت می‌کند.

رابطهٔ پدیدارشناسی و پست مدرنیسم و نظریات بودریار در کتاب حاضر

لازم به توضیح است آنچه سبب حلقهٔ اتصال پدیدارشناسی و بی‌مرزی بودریار در این اثر پژوهشی شده است این است که پدیدارشناسی معتقد است که بین ذات پدیده و نمودها و تجلی آن (پدیدار)، تفاوت وجود دارد و بودریار نیز تا حدی به این تفاوت‌ها اشاره می‌کند. او معتقد است که پسامدرنیسم وضعیتی است که تصویر، وانموده و فراواقعیت جای خود واقعیت را می‌گیرند و درجامعهٔ مصرفی نه با اصل مفاهیم، بلکه با بدل، تمثال یا ایماژ یا رونوشت آنها روبه‌رو هستیم. بنابراین پدیدارشناسی دنیای پست‌مدرن نیز نوعی تفاوت را بین اصل و نموده تجربه می‌کند و نمودها جای اصل را می‌گیرند و اصل تلقی می‌شوند و همین امر باعث می‌شود که فرق بین اصل و فرع چندان روشن نباشد.

اگر در پدیدارشناسی امکان دیدن همهٔ ابعاد واقعیت وجود ندارد، پدیدارشناسی پست‌مدرن از گونهٔ دیگری است؛ بدین معنی که پست‌مدرن توهمی از دست‌یابی به واقعیت به انسان معاصر می‌دهد که وانموده‌ای بیش نیست و نشانه‌های امر واقع جایگزین خود امر واقع می‌شود. بدین‌طریق واقعیت رخت برمی‌بندد و تنها ظاهری از آن بر جای می‌ماند. بودریار معتقد است: «هیچ مدلول، واقعیت و هیچ سطحی در وجود ساده که دلالتگرها به آن اشاره داشته باشد، وجود ندارد، بلکه به گفتهٔ بودریار صرفاً دال‌های بدون مدلول وجود دارد؛ صرفاً صندلی‌هایی وجود دارد بی‌آنکه صندلی‌های واقعی وجود داشته باشد یا به آنها اشاره شود. او این جدایی دال از مدلول را بدیل‌سازی می‌نامد». او حتی پا را فراتر از آن قرار می‌نهد و می‌گوید وانموده‌ها نیز بازتولید یا تقلید یا کپی واقعیت نیستند: به گفتهٔ بودریار آنها خود واقعیت‌اند.

پدیدارشناسی جهانی که در بوتهٔ نیت، توجه و ادراک احمدی قرار می‌گیرد، شاهد تجربهٔ دنیای بی‌مرزی است که بین واقعیت و خیال لغزان است. اما تفاوت این بی‌مرزی با بی‌مرزی که در دنیای پست‌مدرن دیده می‌شود این است که این بی‌مرزی نسبتی با بی‌مرزی

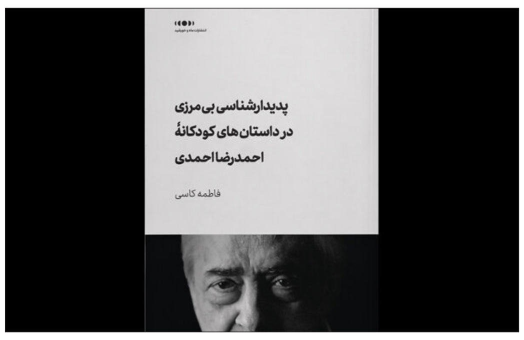

دنیای پست‌مدرن که به زعم بودریار مذموم تلقی می‌شود، ندارد. وانموده‌هایی که در آثار کودکانهٔ احمدرضا احمدی دیده می‌شود، از طرف جامعه‌ای که درگیر مصرف‌زدگی است، به دنیای او تحمیل نشده است، بلکه او سعی دارد به کمک این وانموده‌ها از ترس، تنهایی و نبود هر چیزی که آزاردهنده است هم خود را برهاند و هم کودک را؛ او خود را از تهی‌دستی‌های کهنسالی می‌رهاند و کودک را از ناتوانی‌های دوران کودکی. در دنیای وانموده‌های احمدی، هیچ امر غیرممکنی وجود ندارد. دنیای رنگین بی‌کرانی که این وانموده‌ها می‌سازند، به کلی با دنیای وانموده‌های پست‌مدرنیستی که جای واقعیت و اصل را گرفته‌اند فاصله دارد.

این وانموده‌های مذموم خود را به عنوان واقعیت جا زده‌اند و وجودی تخیلی دارند. درحالی‌که وانموده‌های کودکانهٔ احمدی شیرین، رنگارنگ و پذیرفته‌شده هستند. وانموده‌های پست‌مدرنیستی رابطهٔ انسان با واقعیت را قطع می‌کنند، اما وانموده‌های احمدی هیچ‌گاه این رابطه قطع نمی‌شود. کودک با حضور موقت از دنیای وانموده‌ها مسلح‌تر و رشدیافته‌تر به دنیای واقعی بازمی‌گردد. احمدرضا احمدی درصدد است تا با استفاده از این وانموده‌ها از قدرت و سلطهٔ واقعیات تلخ بکاهد. بنابراین به موازات دنیای واقعی، که چاره‌ای جز تسلیم در برابر آن ندارد، دست به آفرینش دنیای خیالین می‌زند که فرمانروای واقعیش خود اوست، بدین گونه و با این خلاقیّت، او این واقعیات را به سخره می‌گیرد و دنیا را هم برای خود و هم برای کودکان قابل تحمل‌تر می‌سازد. او برای رسیدن به این مقصود از شگردهای متنوعی استفاده می‌کند: پاره‌ای از بی‌مرزی‌های او معنامندند بدین معنی که او از شگردهای سورئالیستی و فرمالیستی برای رسیدن به این مقصود استفاده می‌کند و دسته‌ای از بی‌مرزهای او بی‌مرزی‌های نامعنایی هستند که او از شگردهای پسامدرنیستی، نمادشکنی و اسطوره‌شکنی بهره می‌جوید.

بالاخره شد و عده‌ای توانستند!

کتاب «آرزوهای دست‌ساز» نوشته میلاد حبیبی، از مجموعه تاریخ شفاهی انتشارات راه‌یار با موضوع پیشرفت، در ۱۴ فصل تنظیم شده و روایتش از زبان دانشجویی است که برای گذراندن دوران کارآموزی خود وارد یک‌شرکت دانش‌بنیان به نام «پویا فن‌آوران کوثر» می‌شود. این‌دانشجو همراه اعضای شرکت روزهای پُر فراز و نشیبی را تجربه می‌کند؛ تجربه‌ای که زندگی و خودش را می‌سازد.

این‌کتاب داستان شکل‌گیری شرکتی دانش‌بنیان در حوزه فناوری‌های الکترونیکی و کامپیوتری است که مسیر سختی را برای رسیدن به موفقیت و اثبات توانمندی‌اش طی کرده است.

آزاده جهان‌احمدی، پژوهشگر و استاد دانشگاه با خواندن این‌کتاب یادداشتی نوشته و آن را برای انتشار در اختیار خبرگزاری مهر قرار داده است. او معتقد است می‌توان «آرزوهای دست‌ساز» را شروع فصل جدیدی از تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی و از مصادیق مصداق امید و انگیزه، تلاش و استقامت، عزت و میهن دوستی، خودکفایی و اعتماد به جوانان دانست.

مشروح متن این‌یادداشت در ادامه می‌آید:

ساعت کلاس‌های درسی تمام شده بود و آفتاب بی‌رمق زمستان در حال غروب بود. اما صداهایی که از پژوهشکده می‌آمد هیچ‌نشانی از خستگی نداشتند. انرژی و امید و کمی هم اضطراب حکایت از یک‌آزمایش داشت. اتاقم دیوار به دیوار پژوهشکده بود و داشتم تحقیقات پایان ترم دانشجوها را بررسی می‌کردم تا نمره‌ها را وارد لیست حضور غیاب کنم. صداها واضح نبودند اما گاه‌گاهی وسط پیشنهادات و توصیه‌های استاد صدای خنده‌ای بلند می‌شد.

چند دقیقه‌ای همه ساکت شدند و صدای همکارم را می‌شنیدم که می‌گفت بچه‌ها آماده‌اید؟ همه با صدای بلند و کش‌دار: بله. بعد صدایی از اتاق به گوش رسید و کمتر از دو دقیقه بعد صدای کف و هورا و فریادهای ناشی از خوشحالی از اتاق به هوا رفت. وقت خداحافظی مهندس مولایی که همکارم بود آمد و برای سر و صدای ناشی از آزمایش در پژوهشکده عذرخواهی کرد. فردای همان‌روز، همان‌دانشجویانی که زیر نظر مهندس مولایی در حال ساخت موتور جدیدی بودند، با ناامیدی از بی‌ثمر بودن تلاش‌هایشان می‌گفتند و اینکه اینجا نمی‌شود ماند و کار کرد و از همین‌حرف‌هایی که کلا اوقات آدم را تلخ و خُلق را تنگ می‌کند.

تخصص هرچه باشد، نباید خودت را محدود کنی در یک‌محیط خاص. با افرادی شبیه به هم و ثابت. گاهی باید بروی پی مهارتی جدید با آدم‌های جدید و محیط متفاوت. با اینکه فلسفه خواندم و در دوره تکمیلی رفتم دنبال یک موضوع بین رشته‌ای مثل ادبیات و فلسفه. اما وقتی پای تدریس در دانشگاه وسط آمد ترجیح دادم دروس عمومی را هم تجربه کنم. تدریس دروس عمومی به مدرس این‌فرصت را می‌دهد تا در کلاس دانشجویان پزشکی و مهندسی هم برود و با آدم‌های جدید و اصلا ساختار رشته‌های دیگر غیر از علوم انسانی آشنا بشود. این‌موضوع آن‌قدر جذابیت دارد که نیم بیشتری از خاطرات من از همین کلاس‌هاست. از جمله خاطره‌ای که در ابتدای این یادداشت به آن اشاره کردم.

بین بچه‌های مهندسی دانشگاه‌هایی که تدریس کرده‌ام، همیشه ایده و سؤال و خلاقیت جریان داشته و از جانب دیگر سیکل معیوب و ساختارهای ناقص موجب سرخوردگی و ناامیدی‌شان می‌شده است. وقتی کتاب «آرزوهای دست‌ساز» به دستم رسید. عنوان فرعی کتاب، جذاب به نظر می‌رسید؛ ماجرای شکل‌گیری یک شرکت دانش‌بنیان. یعنی در همین جایی که تقریباً یک پیش‌فرض اثبات شده به طور کامل پذیرفته شده که «نمی‌شود» و «نمی‌گذارند»، در «آرزوهای دست‌ساز» اتفاقاً با ماجرایی روبرو هستیم که علی‌رغم همه دست‌اندازها بالاخره «شده» و عده‌ای هم «توانسته‌اند».

کتاب «آرزوهای دست‌ساز» را به همه دانشجویان مهندسی پیشنهاد و هدیه بدهید.

اخبار

افشای روابط خانواده ترامپ

فروش یک میلیون نسخه در روز اول

کتاب انفجاری مری ترامپ برادرزاده رییس‌جمهور ایالات متحده که در آن جزییاتی کوبنده از خانواده و شخصیت ترامپ درج شده، در روز نخست فروش خود توانست نزدیک به یک میلیون نسخه بفروشد و هنوز با قدرت در صدر لیست پرفروش‌ترین کتاب‌های آمازون قرار دارد. کتاب «بیش از حد و هرگز کافی: چطور خانواده من خطرناک‌ترین مرد دنیا را خلق کرد» که عنوان آن هم به رییس‌جمهور اشاره دارد، پنج‌شنبه منتشر شد و در پایان روز نخست توانست با احتساب پیش‌فروش‌ها، کتاب‌های الکترونیک و کتاب‌های صوتی، ۹۵۰ هزار نسخه بفروشد.این در حالی است که دادگاه در ابتدا به درخواست رابرت ترامپ برادر رییس‌جمهور دستور داده بود که کتاب نباید چاپ شود اما در نهایت انتشارات «سایمون اند شوستر» توانست این دستور را باطل کند. فروش این کتاب رکورد جدیدی برای شرکت نیویورکی سایمون اند شوستر ثبت کرد. این کتاب فرِد ترامپ پدر دونالد ترامپ را به عنوان یک فرِد جامعه‌ستیز و زورگو معرفی می‌کند که مهربانی و عطوفت را در تمام افراد اطراف خود از جمله رییس‌جمهور فعلی از بین برد. با وجود اینکه فرد جونیور پدر مری ترامپ برادر بزرگ‌تر این خانواده بود، دونالد کسب‌وکار املاک خانواده را از پدرش به ارث برد. به این ترتیب پدر مری الکلی شد و وقتی مری کودک بود از دنیا رفت.مری ترامپ بعد از انتشار کتاب چند مصاحبه کرد و در یکی از آن‌ها به واشنگتن پست گفت رییس‌جمهور «مشخصا نژادپرست است» و این مسئله را به سابقه وجود این مشکل در خانواده ربط داد. او گفت: «وقتی که بزرگ می‌شدیم، نرمال بود که بشنویم آن‌ها از کلمه کاکاسیاه یا واژه‌های ضدیهودیان استفاده کنند.»او در مصاحبه دیگری با ریچل مدو از سی‌ان‌ان گفت بارها مشاهده کرده که خود رییس‌جمهور از کلمه‌های نژادپرستانه استفاده می‌کند و اضافه کرد که این نباید هیچ کسی را متعجب کند چون او همین امروز هم آشکارا نژادپرست است. او همچنین در مصاحبه دیگری خواستار استعفای رییس‌جمهور شد و گفت او صلاحیت این شغل را ندارد. مری ترامپ یک روانشناس بالینی است و در کتاب خود علاوه بر داشتن نگاهی درونی و شخصی به خانواده‌اش، اعضای آن را از نقطه نظر یک روانشناس بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که بزرگ شدن در چه محیطی باعث شد دونالد ترامپ اینطور از آب دربیاید.

کتاب تقریرات مصدق در زندان چاپ شد

کتاب «تقریرات مصدق در زندان درباره حوادث زندگی خویش» با تنظیم زنده‌یاد ایرج افشار به‌تازگی توسط بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر و راهی بازار نشر شده است.

این‌کتاب دربرگیرنده یادداشت‌های پراکنده‌ای از خاطرات و گفته‌های محمد مصدق نخست‌وزیر سابق ایران است که با کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد برکنار و زندانی شد. این‌یادداشت‌ها توسط سرهنگ جلیل بزرگمهر وکیل مصدق در دادگاه نظامی گردآوری شده‌اند.بزرگمهر در فاصله دادگاه بدوی و دادگاه تجدیدنظر مصدق، پس از هر ملاقات و گفتگو با مصدق که درمجموع ۲۲ جلسه بوده‌اند، روی کاغذ آورده و سپس آن‌ها را دوباره‌نویسی کرده است. بزرگمهر فرصت کرده برخی از این‌یادداشت‌ها را برای مصدق بخواند و او اصلاحات لازم را متذکر شود.این‌کتاب با ۲۵۰ صفحه، شمارگان ۲ هزار و ۲۰۰ نسخه و قیمت ۵۵ هزار تومان منتشر شده است.

موزه تاریخ طبیعی اشترالزوند تبدیل به موزه دریایی آلمان شد

۷۰ سال پیش، مدرسه کوچکی در شهر اشترالزوند به موزه تاریخ طبیعی آلمان تبدیل شد. در آن زمان، موزه مکانی برای نمایش تعداد محدودی از خزندگان، دوزیستان و حیواناتی از دریای بالتیک بود. ۶ سال بعد از آن، ساختمان موزه گسترش یافت و به‌تدریج گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی دریاهای سراسر جهان به موزه راه یافتند. به‌این‌ترتیب، موزه تاریخ طبیعی اشترالزوند به موزه دریایی آلمان تغییر اسم داد.

در سال‌های اخیر، نمایشگاه دائمی «اقیانوس‌شناسی و زیست‌شناسی دریایی» در طبقه همکف این موزه احداث شده است. در این بخش، مدل‌های مختلفی از کشتی‌ها، قایق‌های غواصی و فسیل جانوران و گیاهان دریایی دیده می‌شود. بخش دیگری از نمایشگاه دائمی به تاریخ ماهی‌گیری اختصاص یافته است. همچنین در این موزه، نمایشگاهی در ارتباط با صنعت ماهی‌گیری آلمان شرقی وجود دارد. قسمت دیگری از ساختمان موزه نیز به نمایشگاه «انسان و دریا» و «دریای بالتیک» اختصاص یافته است. همچنین در موزه دریایی آلمان، چهار آکواریوم مدیترانه‌ای، گرمسیری، لاک‌پشت‌ها و کوسه‌ها وجود دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. علاوه بر این‌ها، بسیاری معتقدند که موزه دریایی آلمان، یک مرکز بین‌المللی برای تحقیقات و شناخت دریاها به‌شمار می‌رود. پژوهشگران در این موزه، تحقیقات گسترده‌ای را در حوزه حفظ و نگهداری دریاها، پستانداران دریایی، پرندگان و خزندگان دریایی، انواع ماهی‌ها، مرجان‌ها و گیاهان دریایی و همچنین فسیل‌ها انجام می‌دهند.

نتایج این تحقیقات در مجله تخصصی موزه دریایی آلمان منتشر می‌شود. علاوه بر آن، سایت موزه، اطلاعات مفیدی را درباره گونه‌های مختلف جانوری و گیاهی دریاها در اختیار علاقمندان قرار می‌دهد. در کنار این‌ها، موزه دریایی آلمان، کتابخانه‌ای با ۳۰ هزار کتاب دارد. در این کتابخانه، کتاب‌های مرجع در حوزه زیست‌شناسی و تاریخ دریاها و همچنین مجلات تخصصی در اختیار علاقه مندان و پژوهشگران قرار می‌گیرد.